

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

شباهنګ راد
10 نومبر 2024

مسألة زنان و دختران در نظام جمهوری اسلامی

طرح این موضوع غلط نیست که همه قشرها، صنفها، سنها و جنسها در نظام جمهوری اسلامی زیر فشار هستند. حکومتمداران ایران مجالی برای زندگی بخورونمیر و آزادی برای میلیونها انسان دردمند باقی نگذاشتهاند و مدتی است فصل دیگری از جنگ با زنان و دختران را تحت عنوان "حفظ حریم عفاف و مقابله با ناهنجاریها" شروع کردهاند. «طرح نور» را جایگزین «گشت و ارشاد» کردند تا ریشه "هنجارشکنی" را بسوزانند! اگرچه روایت تازه سران حکومت، در مبارزه با «بدحجابی» جدید نیست و دهههاست، پیگیر به اسارت کشاندن بیش از پیش زنان و دختران در حوزههای متفاوت هستند، و به موازات آن دادههای درست از موقعیت زنان و دختران هم در بیش از چهل سال، جز اعتراض و پایداری به آنچه توسط رژیم جمهوری اسلامی به آنها روا شده است، نیست. نه پدیداری [اعتراضات و مخالفتها از آغاز تاکنون] قابل پنهان هستند و نه تصویرها و ویدئوها دستکاری شدهاند. آنچه هست، همانهاست که جامعه زنان از دیرباز با آنها روبه رو بوده است.

نظام جمهوری اسلامی از زمان به سرکار آمدنش کوشش بسیاری کرده است تا "تدبیر اخلاقی" خود را به بیش از نیمی از جمعیت فعال جامعه تحمیل کند؛ اما آنچه در میدانهای اجتماعی و آموزشی حاکم شده است، طغیان و نافرمانی زنان و دختران علیه بیعدالتیهای حاکمان به همراه ارادل و اوباش و نیروهای سرکوبش است. ناآرامی و در حقیقت به پا خاستن زنان و دختران به آسانی قابل رؤیت است و روزی نیست که جامعه از یورش درماندگان و اماندگان نظام آرام باشد؛ به این دلیل که ساختار تعریف شده فعلی با تن، با بدن و نیز با پوشش جنسیتها مشکل دارد و بر این نظر است که هر آنچه را که به جامعه و به مردم دیکته می کند، معتبر است. البته در این قسمت تقلا سران حکومت بسیار زیاد است و ظهور آنها در بگیر و ببندها، شکنجه، توهین، اخراج از محیط کار و آموزشی، زندان و پس از این رجوع به «مراکز درمانی» است؛ چاره اندیشی و اقدامی که تابحال حکومتمداران و دولتمداران ایران، جواب دلخواه را از طرف جامعه، زنان و دختران نگرفتهاند.

به دیگر سخن، جوهر سیاست تسلیم و کرنش «یا روسری، یا توسری» نظام را، زنان و دختران بدرستی پاسخ دادند و سران حکومت علی رغم آگاهی به بازتاب بیش از نیمی از جمعیت فعال جامعه، همچنان اصرار دارند تا به طرق جورواجور آن را اجراء کنند. دختران انقلاب، روسری سوزان و صداها مورد مشابه در سالهای دور و به ویژه در چند سال اخیر، بازگوکننده این حقیقت است که نمیتوان صدای اعتراض دختران و زنان را خاموش کرد و آنان را

از خواسته‌های ابتدائی‌شان پس زد. کنش زنان و دختران در مقابل توهین، تحقیر و سرکوب وحشیانه دم و دستگاه های سد کننده و ارگان‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، جز طبیعت مخالفت بجای آنان نیست و نیز بی‌سبب نیست که پوشه اعتراضات و نافرمانی دختران بسیار قطور و گام‌به‌گام روبه‌جلو است. از این‌رو، پرسش‌های ساده این است که چگونه می‌توان حق بدیهی‌ترین آزادی‌ها [یعنی پوشش و آموختن انتخابی] را از آن‌ها سلب کرد و انتظار عکس‌العمل نداشت؟ چگونه می‌توان آنان را به‌عنوان جنس دوم به‌حساب آورد و در همان حال حرف از برابری زن و مرد گفت؟

بی‌چون‌وچرا، مراجعه‌ای کوتاه به اعتراضات و درگیری‌های بی‌شمار زنان در درون جامعه و در میدان‌های آموزشی با مدافعان و سرکوبگران نظام، در پاسخ به سؤالات فوق است که فطرت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در دروغ‌گویی و در پیگیری به بند کشیدن زنان و دختران است که تازه‌ترین نمونه آن، حمله به دانشجوی دختر "علوم تحقیقات تهران" توسط حراست نظام بود.

همان‌گونه که آمده است، مخالفت با سیاست‌های توهین‌آمیز نظام، چند دهه‌ای است که فضای جامعه زنان و دختران را احاطه کرده و سردمداران حکومت بسته به موقعیت سیاسی و اجتماعی، قتیله آن را بالا و پائین می‌کشند. این مورد از دید نظام [یعنی "مبارزه با بدحجابی"] دور انداختنی نیست و همچون بختک در ذهن و بر شانه‌های بیش از نیمی از جمعیت فعال جامعه سنگینی می‌کند. دولت‌مداران ایران تعرض به زنان را به بالاترین حد ممکن رسانده‌اند و به‌موازات آن، نافرمانی "آهو دریائی" دانشجوی «علوم تحقیقات تهران» در چند روز اخیر، نوعی تازه از اعتراض زنان و دختران به بند کشیده شده ایران است. منظور این است که روگردانی جامعه زنان پیرامون سیاست های ارتجاعی است و سران حکومت کاملاً به این موضوع آگاه هستند که با سرکوب و با بگیر و ببندها، توان پس زدن زنان و دختران را ندارند و هرروز با اشکال تازه‌تر و جلوتر اعتراضات و نافرمانی آنان روبه‌رو خواهند شد. می‌دانند توطئه و دسیسه‌چینی علیه زنان و دختران و دانشجویان همچون "بیمار روانی" و نظایر این‌ها پیش‌تر رنگ باخته است. همچنین می‌دانند زنان و دختران پرنشاط‌تر و مصمم‌تر طالب مطالباتشان خواهند بود. بدین‌سان مخالفت ها و اعتراضات پی‌درپی، خلاف این نظر نیست که جنگ دو سوی قضیه یعنی بین سرکوبگران عدالت اجتماعی و عدالت‌خواهان جامعه است؛ کنش و واکنشی که بیش از چهل سال فضای جامعه را احاطه کرده است و بدون کمترین تردیدی، نظام جمهوری اسلامی، روزی جواب نهائی خود را از جامعه و از زنان و دختران خواهد گرفت.

یقیناً اندیشه رفع ستم و محترم شمردن حقوق ابتدائی زنان و دختران با خشونت همخوانی ندارد و نمی‌توان با سازمان دهی لباس شخصی‌ها و موتورسواران، آنان را مرعوب سیاست‌های ارتجاعی کرد. عکس‌العمل‌های متعدد دختران و زنان و حامیان به رسمیت شناختن حقوق برابر، علامت تشنج و درگیری با سیاست‌های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در قبال مطالبات اولیه آنان است. پیداست تسلیم و عقب‌گرد محال است و به‌تبع آن، دهه‌هاست که تزیق تاریک‌اندیشی جامعه رخت بر بسته است. ساده‌تر این که در هیچ حوزه‌ای نظام، ولو با سرکوب خشونت‌آمیز، نتوانسته است سیاست‌های دلخواه را به‌پیش ببرد. درست است نظام ماند، ولی قدم‌ها و کنش‌های اعتراضی روبه‌جلو است و علی‌رغم سرکوب‌های سیستماتیک همچون «طرح نور» جایگزین شده «گشت و ارشاد»، اعتراضات و پایداری زنان و دختران فروکش نکرده است. سران حکومت هیچ ملاحظه‌ای در به "سر خط آوردن" زنان و دختران ندارند و به اسم "حفظ حریم عفاف و مقابله با ناهنجاری‌ها" صفحه تازه‌ای از جنگ علیه آنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا سیاست دلخواه خود را به جامعه و به زنان تحمیل کنند.

در پایان، حکومت‌مداران و دولت‌مردان ایران حقه‌باز و فتنه‌انگیز هستند و سیاستشان به درد درماندگان و واماندگان نظام می‌خورد. بی‌دلیل نیست که "حسین سیمانی صراف"، وزیر علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد پیرامون دستگیری "آهو دریائی" دانشجوی «علوم تحقیقات تهران» به خبرنگاران گفت: «او اخراج نشده و تحت درمان است»، یا "فاطمه مهاجرانی"، سخنگوی دولت ایران گفت: «او از کلانتری با اورژانس اجتماعی مستقیماً به مراکزی برای درمان منتقل شده است». سخنگوی دولتی که رئیسش "مسعود پزشکیان" [قبل از انتصاب] گفت: «مشکل من، حجاب نیست؛ مشکل من، بی‌عدالتی و ظلم و عدم حق است».

دروغ می‌گویند و مانند همه نظام‌های سرمایه‌داری، مسأله و مشکل خود را به مسأله و به مشکل جامعه و مردم تبدیل [کرده و] می‌کنند. نبود سلامت اقتصادی، سیاسی و مصائب اجتماعی در درون جامعه روزبه‌روز رو به افزایش است و نظام در اندیشه "سلامت" زنان و دختران است. به‌طور قطع سر کردن لچک، موضوع و مسأله سران حکومت است نه موضوع و مسأله جامعه و مردم. آنچه جامعه انسانی خواهان آن است، از بین بردن بی‌عدالتی‌های روا شده توسط سردمداران نظام جمهوری اسلامی است. ظلم، نابرابری، شکاف طبقاتی، نبود نان، آب و غذا در سر سفره مردم و عدم رعایت حقوق اولیه میلیون‌ها انسان دردمند و به‌ویژه زنان و دختران در ایران بیداد می‌کند، آن‌وقت حکومت به دنبال "مبارزه با بدحجابی" است. سران حکومت دست‌بردار نیستند و تاکنون هزینه بسیار کلانی صرف پس زدن زنان و دختران کرده‌اند تا فکر بنجل خود را به جامعه و به زنان تحمیل کنند. موضوع و مسأله‌ای که نشان داده است ناموفق خواهند بود و نه تنها اعتراض زنان و دختران تا محقق شدن خواسته‌های بحقشان محدود و کم‌دامنه نخواهد شد، بلکه روند مناسب‌تر، رادیکال‌تر و گسترده‌تری به خود خواهد گرفت.

9 نومبر 2024

29 آبان- عقرب- 1403